

آنچه در این شماره ملاحظه می فرمایید:

شماره صفحه	عنوان
۱۲	● چشم انداز کلی: اقتصاد جهان در سال ۱۹۹۵
۱۵	● سلسله مباحثی در زمینه آزادسازی مالی / بخش پنجم / ولی... کرمی تهری
۲۰	● جان سختی غولها
۲۲	● رحمت برای داراها و زحمت برای ندارها
۲۶	● درباره قراردادهای اعطای تسهیلات بانکی / بخش ششم / اکبر پیروزفر
۳۱	● تئوری عمومی تجهیز منابع اقتصادی در نظام اسلامی / دکتر حسین باهر / ضمیمه مجله
۴۴	● پس انداز ملی؛ موتور توسعه اقتصادی / ترجمه یوسف جمسی
۴۶	● چابکی در اقتصاد نوین جهانی / ترجمه احمد هالی نژاد و محمود زیبایی
۵۰	● سیاست های تثبیت اقتصاد کلان / سیدحسین میرجلیلی
۵۲	● دلاری شدن اقتصادهای انتقالی
۵۸	● فصلی برای پرسش و پاسخ
۶۰	● فرار سرمایه؛ چپاول پنهان
۶۲	● تحولات اقتصادی / مجموعه مطالب
۶۶	● بخش انگلیسی

۵۵۵ ترجمه های
اقتصاد

مجله اقتصادی و بانکی
شماره ۷۲ / ۱۳۷۴ صفحه

آذر ۱۳۷۴

شماره ۴۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



● صاحب امتیاز: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

● مدیر مسوول: علی آقامحمدی

● مسوول امور تحریریه: محمد حسین دانایی

● طراحی و صفحه آرایی: حسین درخشان

● روابط عمومی و تبلیغات: معین نیلیفات / ۶۴۹۷۲۹۰

● لیتوگرافی و چاپ مشکی و صحافی: چاپ گستر / ۲ و ۸۸۴۳۶۵۱

● لیتوگرافی رنگی: نور

● چاپ رنگی: شیرین

● نظارت فنی: انتشارات و تبلیغات صدا / ۶۳۹۲۸۱ و ۸۰۲۶۴۲۳

● نشانی مجله: تهران / خیابان جمهوری / خیابان بابی سندز / شماره ۲۰ / طبقه اول

● صندوق پستی مجله: تهران / ۱۳۱۲۵۰۷۵۹

● تلفن - فکس مجله: ۶۲۹۷۲۹۱ - ۶۲۵۸۲۷۹

مطالب لزوماً نظر بانک مرکزی نیست



اسلامی

سیاست‌های تثبیت اقتصاد کلان

سیدمحمد میرحاجی

تثبیت اقتصادی (از قبیل تثبیت نرخ ارز و تحدید صادرات - واردات) در کشور ما به کزات انجام شده و طی ماه‌های اخیر نیز به دلیل نابسامانی نرخ ارز و افزایش شدید نرخ برابری ریال در مقابل ارزها و کسری تجاری، دولت اقدام به تثبیت نرخ ارز و تحدید صادرات - واردات نمود.

ب) سیاست‌های قیمت‌گذاری

به طور کلی، سیاست‌های قیمت‌گذاری در مقابل سیاست آزادسازی قیمت‌ها قرار دارند که در حالت تعدیل اقتصادی برقرار می‌شود. در اغلب کشورها یکی از عوامل اصلی بی‌ثباتی در سطح اقتصاد کلان، افزایش شدید و ناگهانی و بی‌درهی قیمت‌ها است که خود موجب بی‌ثباتی اقتصادی می‌شود. به همین جهت، دولت‌ها معمولاً به هنگام در پیش گرفتن سیاست تثبیت اقتصادی، برای ایجاد ثبات در اقتصاد به سراغ این عامل بی‌ثباتی می‌روند و قیمت‌گذاری را در بسیاری از کالاها اعمال می‌نمایند. این اقدام نیز در کشور ما بارها تجربه شده است.

ت) سیاست‌های درآمدی

مقصود از سیاست‌های درآمدی، سیاست‌های مربوط به تثبیت حقوق و دستمزدهاست. در واقع، یکی از عوامل ایجاد بی‌ثباتی در اقتصاد کلان، افزایش بی‌درهی دستمزد و حقوق است. از این رو، سیاست تثبیت اقتصادی با ثابت نمودن دستمزد و حقوق با این عامل بی‌ثباتی مبارزه می‌کند.

مجموعه سیاست‌های مالی، پولی و درآمدی در سیاست‌های تثبیت اقتصادی، همگی در طرف تقاضا عمل نموده و تقاضا را کاهش می‌دهند. یعنی افزایش مالیات‌ها، کاهش مخارج دولت، کاهش وام و اعتبار و تثبیت حقوق و دستمزد باعث کاهش تقاضا میشوند و کاهش تب تقاضا نیز به ثبات اقتصادی می‌انجامد، اما هنگام با آن، فعالیت‌های اقتصادی نیز کاهش می‌یابند و رکود گریبانگیر اقتصاد کلان می‌شود.

کاربرد دیگر سیاست‌های تثبیت اقتصادی مربوط به هنگامی است که موفقیت‌هایی در اقتصاد حاصل شده است. به عنوان مثال، رشد اقتصادی کشور به شدت افزایش یافته، یا اینکه بر اثر اجرای برنامه تعدیل اقتصادی، عدم موازنه پرداخت‌ها برطرف شده است. در این حالت، در پیش گرفتن سیاست‌های تثبیت اقتصادی، برای تثبیت موقعیت‌های جدید فتح شده توسط اقتصاد است. از این رو، در این شرایط، سیاست‌های تثبیت اقتصادی برای تحقق یکی از اهداف زیر در پیش گرفته می‌شوند: (۱)

۱- حفظ و تداوم موازنه پرداخت‌های خارجی حاصل شده از اجرای سیاست تعدیل اقتصاد کلان، از طریق تثبیت نرخ ارز و حفظ موازنه صادرات - واردات.

۲- تداوم رشد اقتصادی از طریق اعمال سیاست‌های مالی (مالیات‌ها - هزینه‌های دولت).

۳- ثبات قیمت‌ها از طریق کنترل رشد پول و اعمال سیاست‌های پولی. بنابراین، اگر تثبیت اقتصادی تنها هدف سیاستگذار باشد (مانند حالت اول که سیاستگذار برای جلوگیری از نابسامانی و بی‌ثباتی، سیاست تثبیت را در پیش می‌گیرد) آن‌گاه سیاست‌های یادشده در قسمت اول به کار گرفته می‌شوند، ولی اگر دو هدف "تثبیت" و "رشد" با هم مورد نظر باشند، در آن صورت باید سیاست‌های مدیریت تقاضا (برای هدف تثبیت) و سیاست‌های طرف عرضه (رشد تولید) با هم به مرحله اجرا درآیند و برای آنکه از قیمت‌گذاری و سیاست‌های کنترلی اجتناب شود، از طریق کنترل رشد پول، هدف ثبات قیمت‌ها تعقیب میشود. گفتنی است که کشورهای اروپایی، پس از جنگ جهانی دوم، برای تداوم اشتغال بالا، از سیاست‌های تثبیت به شیوه یادشده استفاده کرده‌اند.

مرگه اقتصاد کلان یک کشور، بی‌درهی در حال تغییر و نوسان باشد، گونه‌ای که بی‌ثباتی را به همراه آورد، سیاست‌های تثبیت اقتصاد کلان برای ایجاد ثبات در اقتصاد به مرحله اجرا درمی‌آید تا با عوامل بی‌ثباتی مقابله شود. بنابراین، سیاست‌های تثبیت در واقع، عوامل کنترل‌کننده و ایجادکننده ثبات در اقتصاد کشورها هستند و برحسب آنکه بی‌ثباتی اقتصاد از کجا ناشی شود، تکیه‌گاه یا لنگرگاه سیاست‌های تثبیت در همانجا مستقر می‌شود.

سیاست‌های تثبیت اقتصادی در صورتی که برای مقابله با بی‌ثباتی در اقتصاد کلان در پیش گرفته شوند، عبارتند از:

الف) سیاست‌های مالی و پولی.

ب) سیاست‌های بخش خارجی.

پ) سیاست‌های قیمت‌گذاری.

ت) سیاست‌های درآمدی.

الف) سیاست‌های پولی و مالی

در بخش سیاست‌های مالی، سیاست‌های مالی انقباضی در پیش گرفته میشود تا ثبات اقتصادی ایجاد شود. به عبارت دیگر، مالیات‌ها افزایش یافته و کل هزینه‌های دولت کاهش می‌یابد. این دو اقدام، می‌توانند از توسانات اقتصادی بکاهند. و چون تقاضا کاهش می‌یابد، سیاست‌های پولی تثبیت‌کننده نیز سیاست‌های پولی انقباضی هستند. سیاست‌های پولی در انقباضی باعث جمع‌آوری پول شده و حجم پول در گردش را کاهش می‌دهند. همچنین اعطای وام و اعتبار نیز به شدت کاهش می‌یابد و ثبات برای اقتصاد کلان را به همراه می‌آورد.

البته اتخاذ سیاست پولی و مالی انقباضی مربوط به زمانی است که منشأ بی‌ثباتی و تغییرات مداوم در اقتصاد، حجم پول در گردش یا هزینه‌های دولتی تشخیص داده شود. در آن صورت، با اتخاذ سیاست پولی انقباضی، نقدینگی موجود در سیستم اقتصادی کاهش یافته و با اتخاذ سیاست مالی انقباضی هزینه‌های کمتری توسط دولت انجام می‌شود. به عبارت دیگر، نقدینگی کمتری به اقتصاد داخلی تزریق می‌گردد.

لازم به ذکر است که چون کینز ابتدا سیاست‌های پولی و مالی را به شکل نوین مطرح ساخت، از این رو سیاست تثبیت غالباً به معنای به‌کارگیری سیاست‌های کینزی است. (۱)

ب) سیاست‌های بخش خارجی

با اتخاذ سیاست‌های بخش خارجی برای تثبیت اقتصادی از یک طرف نرخ ارز تثبیت می‌شود تا یک لنگر در روابط تجاری و جریانات ورود و خروج سرمایه به کشور ایجاد شود و از طرف دیگر، تجارت خارجی محدود می‌گردد. به عبارت دیگر، صادرات و واردات تابع مقررات شدید سخت می‌شود. در نتیجه، نوسان بی‌درهی در نرخ ارز و تجارت خارجی، به شدت تقلیل یافته و در بخش خارجی اقتصادی ثبات ایجاد می‌گردد. یادآوری می‌نماید که به‌کارگیری سیاست‌های بخش خارجی برای

اما باید خاطر نشان ساخت که سیاست‌های تثبیت اقتصادی - چه برای مقابله با آشفتگی‌های اقتصادی و عدم ثبات، و چه برای تثبیت دستاوردهای تعدیل اقتصادی - در هر دو حال دارای تبعاتی است و در اینجا به تبیین برخی از اثرات سیاست‌های تثبیت در دو حالت یادشده می‌پردازیم:

* در حالی که تثبیت اقتصادی با تثبیت قیمت‌ها از طریق قیمت‌گذاری کالاها و خدمات همراه باشد، با برقراری کنترل قیمت‌ها، سطح قیمت‌ها از سطح قبلی تنزل می‌یابد (مانند وضعیتی که چندی پیش شاهد آن بوده‌ایم). در اینصورت با کاهش قیمت‌ها، مادام که قیمت‌ها کاملاً کاهش نیافته‌اند، افراد منتظر رسیدن قیمت‌ها به پایین‌ترین سطح خود می‌شوند، چون انتظار کاهش بیشتر را دارند (خصوصاً در مورد کالاهای بادوام مانند لوازم خانگی، اتومبیل، زمین، مسکن، طلا و ارز). و چون از تقاضا خودداری می‌نمایند، لذا قیمت‌ها بیشتر از حد مورد انتظار کاهش می‌یابد. بنابراین، رفتار مصرف‌کنندگان و طرف تقاضا باعث کاهش تقاضا می‌گردد. از طرف دیگر، تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان (نظام توزیع عمده‌فروشی و خرده‌فروشی) با مشاهده کاهش قیمت‌ها، چون حاضر به زیان نیستند، از این رو به جای تولید، از موجودی انبار خود استفاده می‌کنند و موجودی انبار خود را تعدیل می‌نمایند، (۳) و تقاضای اندک موجود را از طریق کاهش ذخایر انبار پاسخ می‌گویند. در نتیجه، تولید کاهش می‌یابد و کاهش تولید نیز می‌تواند به کاهش شغلان و بیکار شدن کارگران بینجامد. و این وضعیت ادامه می‌یابد تا اقتصاد دوباره به تعادل خود بازگردد. آنگاه به محض تغییر قیمت‌ها، رونق به تدریج به اقتصاد بازگشته و رکود کاهش می‌یابد.

کاهش قیمت‌ها از سوی دیگر، باعث افزایش حجم پول واقعی می‌شود (توضیح اینکه پول واقعی از تقسیم پول اسمی، یعنی حجم نقدینگی موجود بر سطح قیمت‌ها بدست می‌آید) و افزایش حجم پول واقعی به معنای افزایش قدرت خرید پول است و افزایش قدرت خرید به معنای قدرت بیشتر پول برای تقاضا است. افراد در زمان کاهش قیمت‌ها، پول بیشتری را نزد خود نگه می‌دارند و منتظر می‌مانند تا ببینند که بالاخره قیمت‌ها در کجا متوقف می‌شود. افزایش تقاضای پول (نگهداری پول بیشتر نزد خود) باعث می‌شود که سرعت گردش پول کم شود (با استفاده از رابطه مقداری پول $M.V. = P.Q$ ، ثابت گرفتن M و Q در می‌یابیم که با کاهش V در نتیجه P کاهش می‌یابد). کاهش سرعت گردش پول باعث کاهش سطح قیمت‌ها می‌شود و سراسیمگی افراد در فروش برخی از دارایی‌های خود (مانند طلا و ارز) برای تبدیل آن به پول نیز کاهش قیمت‌ها را تشدید می‌کند و به محض آنکه قیمت‌های تنزل یافته روند صعودی خود را آغاز می‌کنند تا به تعادل خود برسند، در آنجا قدرت خرید افزایش یافته خود را نشان داده و برای اجتناب از گرانتز خریدن، به تورم آرام دامن می‌زنند و قیمت‌ها را شتاب می‌دهند.

تثبیت اقتصادی از دو جهت دیگر نیز بر تولید داخلی می‌تواند اثر بگذارد:

اول آنکه، ارزان‌تر شدن نرخ ارز به معنای ارزان‌تر شدن نسبی کالای وارداتی در مقایسه با کالاهای تولید داخل است، چرا که قبلاً به واسطه صادرات، قیمت‌ها افزایش یافته و قیمت کالاهای خود را با سطح تورم و قیمت‌های قبلی تطبیق داده بودند. حال که نرخ ارز کاهش می‌یابد، واردات نسبت به کالاهای تولید داخل، دارای قیمت بالنسبه کمتری می‌شوند. از اینرو، تقاضای کالای تولید داخل ممکن است کاهش یابد و به سوی کالاهای وارداتی برود.

دوم آنکه، با ارزان‌تر شدن نرخ ارز، تولید برای صادرات ممکن است کاهش یابد، چون حاشیه سود صادرکنندگان کاهش می‌یابد و از اینرو، تولید به بازار داخلی محدود می‌شود.

بنابراین، به طور خلاصه، تنزل شدید قیمت‌ها و تثبیت نرخ ارز می‌تواند موجب کاهش شدید تقاضا و کاهش تولید شود (رکود اقتصادی).

نکته دیگر اینکه، سیاست‌های تثبیت اقتصادی به طور کلی دارای ماهیت درازمدت نیستند. (برخلاف سیاست‌های تعدیل اقتصادی که دارای ماهیت درازمدت هستند) و چون تحمل تداوم رکود برای دولت‌ها مقدور نیست، لذا برای حفظ دستاوردهای مثبت تثبیت اقتصادی (که همانا کاهش نوسانات اقتصادی و برقراری ثبات در اقتصاد است) و هم چنین برای رفع نقایص آن (که به صورت رکود ظاهر شده است) باید تدابیری اندیشیده شود.

این تدابیر، در دو جهت می‌توانند تنظیم شوند:

اول، تداوم نیافتن سیاست‌های پولی و مالی انقباضی و انبساطی شدن سیاست‌های پولی و مالی در نحی که اقتصاد از رکود خارج شود. (کاهش دامنه قیمت‌گذاری و تعدیل سالانه نرخ ارز تثبیت شده).

دوم، برقراری و گسترش سیستم‌های تثبیت‌کننده خودکار (۴) در اقتصاد، به گونه‌ای که خودبخود بتوانند از تبعات رکود بکاهند. از جمله سیستم‌های تثبیت‌کننده خودکار، برقراری بیمه بیکاری است که هرگاه افراد به خاطر نوسانات اقتصادی بیکار شدند، از طریق بیمه بیکاری مبلغی را دریافت نمایند و از گسترش افراد بیکار بدون منبع درآمد جلوگیری شود. شایان ذکر است که در کشور ما گسترش بیمه بیکاری اهمیت زیادی دارد، چون به دلیل وجود حداقل دستمزد، دستمزدها به طرف پایین انعطاف‌ناپذیر هستند (۵) از اینرو، وجود بیمه بیکاری نوعی تثبیت‌کننده خودکار در اقتصاد به حساب می‌آید.

یکی دیگر از سیستم‌های تثبیت‌کننده خودکار، برقراری سیستم ضد دور تجاری در نظام مالیاتی است. به عبارت دیگر، اخذ مالیات بیشتر در زمان رونق و اخذ مالیات کمتر در دوران رکود. (۶) گفتمی است که در کشورهای در حال توسعه - از جمله در کشور ما - این امر وجود ندارد.

نمونه دیگر از سیستم تثبیت‌کننده خودکار، وجود صندوقی برای حمایت از تولید در شرایط رکود است. این صندوق، با پرداخت کمک بلاعوض (یارانه) به تولیدکنندگان کمک می‌کند تا تولید خود را کاهش ندهند.

به هر حال، تدابیر یادشده می‌توانند از تداوم رکود اقتصادی، که به دنبال اتخاذ سیاست‌های تثبیت اقتصادی بر اقتصاد یک کشور حاکم می‌شود، جلوگیری نمایند.

مؤلفین ها:

(۱) فرهنگ اقتصادی پالگرو / جلد ۲ / صفحه ۴۶۴ / واژه سیاست تثبیت.

(۲) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران / مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی / نقش سیاست مالی در تدوین برنامه‌های تثبیت اقتصادی / نوشته وینو تانزی / ۱۳۷۱

3) Inventory adjustment.

4) Automatic stabilizer.

5) Downward rigidity.

(۶) مقدماتنامه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران / شماره ۵ / اردیبهشت ۱۳۶۷ / صفحه ۶ / آشفتگی‌های اقتصادی و سیاست‌های تثبیت کننده.